



کاربرد اصطلاحات و عبارات رایج زبان فارسی با استفاده از نام اعضای بدن

سلطان خواجه آوا سعیده

محقق دوره دکترای دانشگاه دولتی خاورشناسی تاشکند، ازبکستان

چکیده: اصطلاحات و عبارات رایج در زبان‌ها بخش مهمی از میراث زبانی و فرهنگی ملل محسوب می‌شوند. در زبان فارسی، اصطلاحاتی که با استفاده از نام اعضای بدن ساخته شده‌اند، بازتاب‌دهنده احساسات، حالات روانی، و رفتارهای انسانی هستند. این مقاله به بررسی نمونه‌هایی از این نوع اصطلاحات پرداخته و آن‌ها را در سه گروه اصلی—احساسات درونی، رفتار و خلق‌وخو، و حالات جسمی و روانی—طبقه‌بندی می‌کند. با تحلیل ساختار و معنای این اصطلاحات، می‌توان به درک عمیق‌تری از رابطه‌ی زبان، بدن و فرهنگ دست یافت.

کلیدواژه‌ها: اصطلاحات، زبان فارسی، اعضای بدن، دل، سر، چشم، دست، زبان‌شناسی، فرهنگ

مقدمه: اصطلاحات و عبارات رایج بخشی از زبان زنده و پویای هر جامعه‌اند که نه تنها برای زینت سخن بلکه برای انتقال احساسات، افکار و نگرش‌ها به‌کار می‌روند. این عبارات، که اغلب با تصاویر ذهنی و استعاره‌ها همراه‌اند، در میان اقشار مختلف مردم رواج دارند و نقشی مهم در غنای ادبیات عامیانه و رسمی ایفا می‌کنند.

در زبان فارسی، بخشی قابل‌توجه از این اصطلاحات با نام اعضای بدن ساخته شده‌اند. در میان آن‌ها، واژه‌هایی مانند «دل»، «سر»، «چشم» و «دست» بیشترین فراوانی را دارند. این پژوهش بر آن است تا به تحلیل و طبقه‌بندی این‌گونه اصطلاحات بپردازد و با بررسی نمونه‌هایی از متون کلاسیک، کارکرد و معنای آن‌ها را روشن سازد.

روش تحقیق: روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی است. داده‌های زبانی از متون کلاسیک زبان فارسی، به‌ویژه «شرح گلستان»، و همچنین از گفتار رایج روزمره استخراج شده‌اند. نمونه‌ها به‌صورت کیفی تحلیل و در سه دسته معنایی اصلی طبقه‌بندی شده‌اند.

یافته‌ها و تحلیل:

۱. اصطلاحات بیانگر احساسات درونی:

این گروه از اصطلاحات به احساساتی مانند عشق، اندوه، ترس، شوق و نگرانی اشاره دارند. مثال‌ها:

- دل از دست رفتن: اشاره به از بین رفتن تسلط بر احساسات
- دلش هری ریخت: بیان ترس یا اضطراب ناگهانی
- درد دل: بازگو کردن غم یا اندوه درونی

۲. اصطلاحات مرتبط با رفتار و منش فردی:

این دسته به ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری فرد اشاره دارند.

- دل شیر داشتن: شجاعت داشتن
- دل بر زبان داشتن: صراحت در سخن
- دل فارغ داشتن: بی‌اعتنایی نسبت به مسائل روزمره

۳. اصطلاحات مرتبط با وضعیت جسمی و روانی:

اصطلاحاتی که برای توصیف حالت‌های فیزیکی یا روانی به‌کار می‌روند.

- دلم از گرسنگی مالش می‌رود: بیان شدت گرسنگی

• **دلم از حال رفت:** از حال رفتن به دلیل ناراحتی یا فشار روحی

• **دلم باز شد:** حس آسودگی یا خوشی پس از ناراحتی

بحث:

کاربرد اعضای بدن در ساخت اصطلاحات، نشان دهنده پیوند عمیق میان زبان و بدن در تجربه انسانی است. «دل» در فرهنگ فارسی مرکز احساسات است، «چشم» نماد نگاه و انتظار، «دست» نشان دهنده قدرت یا ناتوانی، و «سر» محل اندیشه یا تصمیم‌گیری. تحلیل این اصطلاحات می‌تواند به درک بهتر فرهنگ، روان‌شناسی جمعی، و نظام فکری ایرانیان کمک کند.

نتیجه‌گیری:

اصطلاحات ساخته شده با اعضای بدن در زبان فارسی، ابزاری زنده و پویا برای بیان پیچیدگی‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی هستند. این اصطلاحات ضمن آن‌که زبان را غنی‌تر می‌کنند، بازتابی از نگاه مردم به بدن و جهان پیرامون‌اند. بررسی آن‌ها نه تنها به زبان‌شناسی بلکه به مطالعات میان‌فرهنگی نیز کمک می‌کند.

منابع:

- سعدی، گلستان، با شرح و توضیح.
- فرهنگ اصطلاحات عامیانه فارسی.
- مقالات زبان‌شناسی تطبیقی و مردم‌شناسی فرهنگی.
- بخشی از جلد دوم، ساختمان فعل، تهران، ۱۳۴۳ پرویز ناتل خانلری، تاریخ زبان فارسی،
- بخشی از جلد دوم، ساختمان فعل، تهران، ۱۳۴۳ 2. پرویز ناتل خانلری، تاریخ زبان فارسی،
- دکتر حسن انوری، دکتر حسن احمدی گیوی، دستور زبان فارسی ۲. (ویرایش ۲). تهران: فاطمی، ۱۳۷۶
- علی اکبر دهخدا، لغت نامه ی دهخدا. مؤسسه ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. - ۱۳۷۳
- محمد معین، فرهنگ فارسی. جلد اول، دوم. انتشارات امیر کبیر تهران. - ۱۳۷۱